

بررسی فقهی تاریخچه مهریه از نظر حکم و موضوع

میلاذ دهقانی

دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد

milad.dehghani@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

soltani@um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولت‌شانلو

دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد

m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

چکیده

یکی از مسائل مهم که مربوط به حقوق مالی زوجه می‌باشد و اسلام بسیار بر آن تأکید نموده، مسئله «مهریه» است. مهریه که یکی از شروط ضمن عقد نکاح می‌باشد، مال یا عین معینی است که در زمان عقد نکاح از سوی مرد به‌عنوان هدیه و پیشکش به زن داده می‌شود. علت تأکید اسلام بر مهریه، به‌خاطر بقا و تحکیم نظام خانواده و حفظ حقوق و شخصیت والای زن می‌باشد؛ چرا که مهریه تنها رکنی است که سبب تأمین حقوق زن می‌گردد. مهریه از گذشته تا به امروز تحولات و دگرگونی‌های زیادی را پشت‌سر گذاشته و در پس‌گذر از جوامع گوناگون، اشکال مختلفی به‌خود گرفته است. صحبت از چیستی و چرایی مهریه و پیشینه آن، بحثی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از شبهاتی که درباره مسئله مهریه مطرح شده است، پیشینه آن می‌باشد. اینکه آیا مهریه در ماقبل اسلام نیز وجود داشته است یا اینکه پدیده جدیدی است که اسلام آن را ابداع نموده است؟ به‌عبارت دیگر مهریه، حکم امضایی است یا تأسیسی؟ روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و نوشتار حاضر در پی آن است که با استناد به منابع حدیثی و روایی به بررسی تاریخچه مهریه از نظر حکم و موضوع بپردازد و به شبهاتی که در این زمینه وجود دارد، مستدلاً پاسخ داده و رفع ابهام نماید.

مقدمه

در اسلام به امر ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت بسیار داده شده است تا آنجا که نکاح سنت نبوی معرفی شده است و محبوب‌ترین و عزیزترین بنیاد در نزد خداوند متعال معرفی شده است. تنها کارکرد نکاح در اثرات جنسی و روانی آن خلاصه نمی‌شود بلکه آثار و تبعات گوناگون اجتماعی، حقوقی و اقتصادی را در پی دارد. تثبیت نهاد خانواده در سلامت اجتماع، نقش به‌سزایی دارد. این مهم در گرو شفافیت همه سنت‌ها و اجزای نظام خانواده است که «مهریه» از مهم‌ترین آن‌ها است. مهریه نشانه عشق و علاقه میان زوجین است که به‌عنوان یک هدیه از سوی شوهر به همسرش داده می‌شود و هدف از آن ثبات و استحکام نهاد خانواده است. بنا بر آیه ۲۳۶ سوره بقره که می‌فرماید: «لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا» ذکر مهریه در صحت نکاح شرط نیست و نبود آن هیچ خللی در صحت آن ایجاد نمی‌کند اما وجود آن حقی است برای زن، که برای او جنبه مالی دارد و نوعی پشتوانه مادی و روانی برای او محسوب می‌شود. مهریه سنتی قدیمی است که مرد به هنگام ازدواج، آن حق را برای زن قائل می‌شود و نوعی بضع است که فقط به خود زن اختصاص دارد، نه کسی دیگر.

یکی از مسائلی که حول محور مهریه از آن سخن به میان رانده می‌شود، امضایی یا تأسیسی بودن مهریه و صدق در شریعت اسلام است. امضایی بودن مهریه به این معنا است که مهریه در ماقبل اسلام وجود داشته است و به اصطلاح قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد؛ و دین مبین اسلام تنها وجود آن را تأیید و تنفیذ نموده است. در مقابل تأسیسی بودن مهریه، بیانگر عدم وجود آن در ماقبل اسلام و ادیان پیش از پیامبر اکرم (ص) است؛ یعنی با ظهور دین اسلام، وجود مهریه در عقد نکاح تثبیت شد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و با مطالعات صورت گرفته درباره این موضوع، می‌توان گفت که درباره موضوع مهریه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته اما درباره این موضوع بخصوص هیچ تحقیق صورت نگرفته است. حال، ما در این مقاله می‌خواهیم با توجه به مستندات روایی و تاریخی به این سوال پاسخ دهیم که مهریه از احکام امضایی است یا تأسیسی؟ و علت امضایی یا تأسیسی بودن آن چیست؟ چرا که تشخیص و فهم امضایی یا تأسیسی بودن مهریه از ضرورت و اهمیت زیادی برخوردار است و علت اهمیت آن در این است که تشخیص آن در نحوه استنباط احکام تأثیر زیادی دارد و بر آن آثار فقهی مترتب می‌شود. لذا این پژوهش به‌منظور بررسی تاریخچه مهریه از نظر فقهی صورت گرفته است و نحوه پژوهش اینگونه است که ابتدا تعریف مختصری از مهریه و مسائل حول آن داده می‌شود، سپس پیشینه مهریه در جهان و عرب و زمان صدر اسلام بیان می‌شود و امضایی و تأسیسی بودن آن مشخص می‌گردد و در نهایت به تطبیق مهریه در هر دو دوره جاهلی و اسلامی پرداخته می‌شود. امید است که مورد توجه پژوهشگران و دانشجویان قرار گیرد و مفید واقع گردد.

تعریف مهریه

کلمه مهر در لغت به معنای صداق زن و آن چیزی است که با نکاح یا نزدیکی یا بهره‌وری جنسی برای زن واجب می‌شود. (محمود عبدالرحمن، ۳/۳۷۰) در معجم مقاییس‌اللغه آمده است: «مهر زن، اجر و پاداش او است.» (ابن فارس، ۵/۲۸۱) در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: «مهر، کابین و آن نقد و جنسی باشد که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر کنند، صداق و آن مال یا نفقه‌ای است که انتفاع از آن شرعاً جایز باشد و آن را برای زن قرار دهند.» (دهخدا، ۱/ذیل واژه مهر) در کشف‌الغمه از صداق به مهر تعبیر شده است و آن چیزی است که مرد به هنگام ازدواج، آن را به همسرش می‌دهد. در این کتاب چنین آمده است که امام علی (ع) زمانی که به خواستگاری دختر رسول خدا (ص) رفت، رسول خدا (ص) از او پرسید، چه چیزی داری که آن را صداق فاطمه (س) قرار دهی؟ امام علی (ع) فرمودند: زرهی دارم که ارزش آن چهارصد درهم است. حضرت رسول (ص) فرمود: همان را بفروش و صداق فاطمه (س) قرار بده. از این عبارت چنین فهمیده می‌شود که منظور از صداق، همان مهر است. (رک: کشف‌الغمه اربلی، ۱/۳۵۳-۳۵۴) در قرآن از مهر با عنوان‌های صداق، فریضه، اجر، نحله و امتاع یاد شده است و در زبان فارسی از آن با عنوان‌های صداق، کابین و مهریه یاد می‌شود. (شفق، ۱۲)

شیخ مفید می‌گوید: «مهر آن چیزی است که نکاح با آن منعقد می‌شود و هرچیز دارای قیمت و باارزشی مانند طلا، نقره، ملک و زمین زراعتی و امثال این‌ها است و هر کدام از این‌ها می‌توانند، جایگزین دیگری شوند و هرچیزی است که مستحق اجرت است، مانند صنعت و هنر؛ همچنین آموزش سوره یا آیه‌ای از قرآن یا حکم و آداب آن، می‌تواند به‌عنوان مهر تعیین گردد.» (مفید، ۱/۵۰۸) شیخ طوسی نیز می‌گوید: «مهر آن چیزی است که زوجین بر آن توافق می‌کنند و آن هرچیز با ارزشی است که قابل تملک باشد؛ خواه کم باشد و خواه زیاد، مانند طلا، زمین، خانه و ...» (طوسی، ۱/۴۶۸-۴۶۹)

مهر در اصطلاح حقوقی، صداق یا مالی است که زن به‌واسطه ازدواج، مالک آن است و مرد ملزم به پرداخت آن می‌شود. مهر معمولاً اقلامی است که با توافق زوجین مشخص می‌شود و مرد به‌صورت نقد یا تعهد در ذمه، به پرداخت آن موظف است و این اقلام و تعهد، به‌صورت مکتوب، ثبت و ضبط می‌شود. (شرف‌الدین، ۱۲۴)

پیشینه مهریه در جهان و عرب و زمان صدر اسلام

مهر در طول تاریخ جهان و ادیان مختلف چون اسلام، یهود و ... وجود داشته است. پیشینه وجود مهریه به ادوار ما قبل تاریخ برمی‌گردد. زمانی که انسان‌های اولیه روی کره زمین زندگی می‌کردند اما شکل و ماهیت آن به شکل امروزی نبوده است، بلکه در طول سالیان دراز، نسل به نسل چرخیده، دچار تغییر و تحولاتی شده و به دست ما رسیده است. پس می‌توان اذعان کرد که مهریه از همان ابتدای آفرینش بشری اما به شکلی متفاوت از مهریه امروزی، وجود داشته است.

مهر قبل از اسلام

منابع روایی و تاریخی حاکی از آن است که مهر در قبل از اسلام وجود داشته است. فلسفه وجود مهریه اینگونه است که در ابتدای تاریخ بشریت، ازدواج با همخون جایز شمرده نمی شد، به همین دلیل، مردان قبیله باید با زنان قبیله دیگر ازدواج می کردند. در این میان دو دوره «مادر شاهی» و «پدر شاهی» ایجاد شد. در دوره مادر شاهی مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف نبود، فرزند به زنان تعلق داشت و زن در رأس امور بود؛ به همین دلیل این دوره مادر شاهی نامیده شد، بر خلاف دوره بعد که پدر شاهی نامیده شد و مردان به نقش خود در تولید فرزند پی برده و ریاست خانواده را به عهده گرفتند. این دوره را نیز پدر شاهی می نامند. گاهی نیز مردان، دختر مورد علاقه خود را از قبیله دیگر می ربودند اما رفته رفته میان قبایل صلح ایجاد شد و مرد برای ازدواج با دختری از قبیله دیگر، باید ابتدا برای پدر زن خود کار می کرد و پدر زن در ازای کار مرد، دختر خود را به او می داد؛ اما کمی بعد، مرد دریافت که به جای کار در نزد پدر زن، ثروتمند شود و یکجا هدیه ای تقدیم او کند و دختر را از او بگیرد. از اینجا بود که «مهریه» ایجاد شد. (رک: نظام حقوق زن در اسلام، ۱۸۰)

در واقع وجود مهریه به زمان حضرت آدم(ع) و حضرت حوا(ع) بر می گردد. در تاریخ و روایات به گونه های متفاوتی از ازدواج آن ها و مهریه حضرت حوا(ع) سخن گفته شده است. در من لا یحضره الفقیه آمده است، هنگامی که حضرت آدم(ع) به حضرت حوا(ع) نگاه کرد، به حضرت حوا(ع) گفت: تو که هستی؟ حضرت حوا(ع) گفت: مرا خدا خلق کرده است. حضرت آدم(ع) به خدا گفت: خداوند، این آفریده زیبا کیست که نزدیک او بودن و نگرستن به او مرا آرام می کند؟ خداوند تبارک و تعالی گفت: ای آدم، این کنیز من حوا است. آیا دوست داری که منس تو شود، با تو سخن گوید و از تو پیروی کند؟ حضرت آدم(ع) گفت: بله ای پروردگار. خداوند، حضرت حوا(ع) را به همسری او در آورد و آموزش تعالیم دینی به حضرت حوا(ع) را مهریه او قرار داد. (ابن بابویه، ۳۸۰) در جایی دیگر اینگونه آمده است که حضرت آدم(ع) زمانی که به حضرت حوا(ع) نگاه کرد، گفت: پروردگارا، این زن را به ازدواج من درآور. پروردگار بزرگ و متعال گفت: ای آدم، مهریه او را بده. حضرت آدم(ع) گفت: پروردگارا نمی دانم چیست؟ پروردگار گفت: ای آدم، ده مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرست. پس حضرت آدم(ع) همانطور که خداوند به او امر کرده بود، صلوات فرستاد و خداوند، حضرت حوا(ع) را همسر او کرد. پس وقتی مهریه حضرت حوا(ع) این باشد، چگونه برای حورالعین مهریه نباشد! (جزایری، ۱۳۲/۱)

در زمان پیامبرانی چون حضرت شعیب(ع)، حضرت موسی(ع) و حضرت یعقوب(ع) و ... مهریه وجود داشته است. آمده است که حضرت شعیب(ع) به حضرت موسی(ع) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، (محبتی)، از ناحیه توست. من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم.» (قصص: ۲۷) این شرط همان مهریه ای است که حضرت موسی(ع) برای ازدواج با دختر حضرت شعیب(ع)، باید آن را می پرداخت.

قانون حمورابی نخستین سند شناخته شده بشر است که شامل مجموعه ای از قوانین در سطوح مختلف زندگی چون محاکمه، خانواده، ارث و ... می باشد. در این قانون آمده است که اگر مردی بخواهد از زنش که از او دارای فرزندی نشده جدا شود، باید برابر شیربهای که به پدر زنش پرداخته و همچنین همه جهیزیه ای که همسرش از خانه پدری آورده را به زن بپردازد و از او

جدا شود و اگر شیربهای ناداده، ۲۸۱ گرم نقره به همسرش می‌دهد و از او جدا می‌شود. (قانون‌نامه حمورابی، مواد ۱۳۸ و ۱۳۹)

همچنین با مطالعه تاریخ ایران باستان، می‌توان دریافت که مهریه در ایران باستان، وجود داشته است. در زمان انوشیروان، پادشاه بزرگ ساسانی، شوهر باید به هنگام ازدواج، مهر زن را به خانواده او می‌پرداخت. (کریستن‌سن، ۴۸۶) یا در زمان فیلیپ مقدونی که امپراطوری اسپارت را به‌عهده داشت، مهریه وجود داشت و قسمت زیادی از زمین‌ها به وراثت یا به‌صورت مهریه به دست زنان افتاده بود. (دورانت، ۵۱۹/۲) بنابر این مطالب می‌توان اذعان کرد که مهریه در ماقبل اسلام وجود داشته است.

مهریه بعد از اسلام (در صدر اسلام)

خداوند در قرآن کریم، امر به اعطای مهریه زنان نموده، همچنین از مهریه، تعبیر به «فریضه» شده است و بیان داشته است: «فَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» به این معنا که «و زانی را که متعه می‌کنید، مهر آن‌ها را به‌عنوان فریضه بپردازید.» (حلیان، ۱۳) مرد هنگام ازدواج، یک «پیشکشی» تقدیم خود زن می‌کند و هیچ یک از والدین، حقی به آن پیشکش ندارند؛ زن در عین اینکه، از مرد پیشکشی دریافت می‌دارد، استقلال اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ می‌کند؛ زیرا اولاً او به اراده خود، شوهر انتخاب می‌کند، ثانیاً در مدتی که در خانه پدر و شوهر است، کسی حق ندارد، او را استثمار کند. (مطهری، ۱۸۱) منابع تاریخی و حدیثی حاکی از وجود مهریه در صدر اسلام و ما بعد آن است. چنانکه حضرت محمد(ص) به‌هنگام ازدواج با حضرت خدیجه(س) مهریه‌ای برای او قرار داد. مهریه حضرت خدیجه(س) ۴۰۰۰ دینار می‌باشد. پیرامون مهریه حضرت خدیجه(س) نقل قول‌های متفاوتی وجود دارد. برخی مهریه آن حضرت را ۲۰ دینار و برخی ۱۲ اوقیه طلا می‌دانند. (العصامی، ۴۲۹/۱؛ سبحانی تبریزی، ۲۷۳/۱) طبرسی می‌گوید: «حضرت علی(ع) دو بار برای خواستگاری حضرت فاطمه(س) به نزد پیامبر(ص) رفت و در هر دو بار شرمش آمد که آن را بازگو کند. در روز سوم، که به نزد پیامبر(ص) رفت. پیامبر(ص) فرمود: ای علی، حاجتی داری؟ امام علی پاسخ داد: بله، یا رسول‌الله. پیامبر به او گفت: شاید برای خواستگاری آمده‌ای؟ امام علی(ع) گفت: بله. پیامبر(ص) فرمود: ای علی، آیا چیزی در نزد داری؟ امام علی(ع) گفت: یا رسول‌الله، چیزی جز زره‌ام ندارم. پیامبر اکرم(ص)، دخترش، حضرت فاطمه(س) را به دوازده و نیم اوقیه طلا و زرهی که امام علی(ع) داشت، به ازدواج او در آورد. (طبرسی، ۱۶۱/۱) و این‌ها، مهری بود که امام علی(ع) باید بعداً آن را پرداخت می‌کرد تا دینش را به حضرت فاطمه(س) ادا کند. (یوسفی غروی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۰) در کتاب تاریخی دیگری نیز موضوع مهریه حضرت فاطمه زهرا(س) آمده است. (اربلی، ۳۵۴-۳۵۳/۱؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۶۰/۴)

در نهج‌البلاغه از مهریه به‌طور غیرمستقیم و در عرض سخن از برگرداندن املاک بیت‌المال که عثمان به میل خودش به دیگران بخشیده بود، چنین آمده است: به‌خدا قسم، اگر آن املاک را بیابم، به مسلمین برمی‌گردانم، گرچه مهریه زنان شده باشد یا به آن کنیزها، خریده باشند. (شریف‌الرضی، باب ۱۵، ج ۱۰۱۵) در اینجا هرچند از خود مهریه که مرد باید آن را به همسرش بدهد، حرفی زده نشده اما این سخن بیانگر آن است که در زمان صدر اسلام، مهریه وجود داشته و مرد ملزم به پرداخت مهریه به همسرش بوده است. فردوسی در شاهنامه‌اش از مهریه در ازدواج زال و رودابه، چنین گفته است: «سزوار او خلعت آراستند/ ز

گنج آنچه پر مایه تر خواستند/ به کابل دگر سام را هرچه بود/ ز کاخ و ز باغ و ز کشت و درود/ دگر چارپایان دوشیدنی/ ز گستردنی هم ز پوشیدنی/ به سیندخت بخشید و دستش به دست / گرفت و یک نیز پیمان بست» (فردوسی، ۱۲۷۳) این ابیات از شاعر بزرگی چون فردوسی نشان‌دهنده این می‌باشد که مهریه بعد از ظهور اسلام و در میان مسلمانان مرسوم بوده است.

امروزه نیز در قانون نظام جمهوری اسلامی ایران، وجود مهر در عقد نکاح قهراً لازم است. گرچه قانون، تعریفی از مهر ننموده است ولی از مواد مربوطه به مهر، معلوم می‌شود که مهر، عبارت است از مالی که زوج برای نکاح به زوجه تملیک می‌نماید. چنانکه کسی، زنی را به نکاح خود در آورد و خانه معینی را مهر او قرار دهد و در اصطلاح، مهری که در عقد نکاح معین می‌گردد، مهرالمسمی نامند. (امامی، ۳۷۸/۴)

مهر در عرب

در ماقبل اسلام و در دوره جاهلیت عرب، زن از ارزش بسیار کمی برخوردار بود. تفکرات عجیبی در آن جامعه حکمفرما بود، در حقیقت وجود دختر را عار و ننگ می‌دانستند و از تولد او احساس شرم می‌کردند. به‌همین دلیل هنگام تولدش، او را می‌کشتند. گاهی نیز بخاطر ترس از فقر و تنگدستی، اقدام به این کار شوم می‌کردند؛ چنانکه در آیه ۱۵۱ سوره انعام آمده است: «فرزندان را از روی فقر نکشید.»^۲ در آن زمانه، زن از هیچ شأن و شخصیت و جایگاهی برخوردار نبود و جزء اسباب و اثاثیه مرد به حساب می‌آید و بعد از مرگ شوهرش به ارث پسران شوهرش می‌رسید. در آن زمان مهریه وجود داشت اما تمام آن به پدر زن تعلق داشت و زن هیچ اختیار و تملکی نسبت به آن نداشت.

مهر در ادیان دیگر

باورهای متفاوتی از مهریه در ادیان و مذاهب وجود دارد. در بعضی ادیان، مهریه جزء سنت‌های مرسوم ازدواج آن‌ها پذیرفته شده است و در بعضی دیگر هیچ سخنی از مهریه به میان نیامده است و حتی اشاره‌ای گذرا هم به آن نشده است. حال به پیشینه مهریه در ادیان رسمی جهان چون یهود، مسیحیت و زرتشت پرداخته می‌شود.

یهود

کتاب مقدس تورات گویای وجود مهریه در دین یهود می‌باشد. در کتاب مقدس پیدایش (گروسی) آمده است که شکیم پسر حمور شیفته دختر حضرت یعقوب (ع) می‌شود و خواستار ازدواج با او است. پس شکیم به پدر و برادران آن دختر گفت: مهر و پیشکش هر قدر زیاده از من بخواهید، آنچه بگوئید، خواهم داد، فقط دختر را به زنی به من بسپارید. (کتاب مقدس پیدایش، باب ۳۴، بند ۱۲) در واقع مهریه در یهودیت اینگونه بود که داماد برای ازدواج با دختر موردعلاقه خود می‌بایست، مبلغی را به پدر عروس تقدیم می‌کرد؛ یعنی سنت متعارف آن بود که زناشویی از طریق خرید و فروش صورت می‌گرفت و پدر عروس در مقابل

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ».

مهری که به عنوان بهای دختر خود دریافت می کرد، او را به داماد واگذار می کرد، همانگونه که یعقوب، لینه و راحیل را با کار خویش خریداری کرد. (دورانت، ۳۹۲/۱) همچنین در کتاب تورات آمده است که «اگر مردی، دوشیزه ای را که نامزد کسی نباشد، اغوا کند و با او همبستر شود، باید مهریه اش را بپردازد و او را به زنی بگیرد. (نرم افزار کتاب مقدس، کتاب خروج، باب ۲۲، آیه ۱۶) این مطالب، بیانگر این است که مهریه در آیین یهودیت، وجود دارد؛ همچنانکه امروزه در میان اسرائیلیان وجود دارد؛ البته عندالمطالبه نیست و در زمان طلاق یا مرگ شوهر با شرایطی به زن پرداخت می شود.

مسیحیت

در دین مسیحیت که بر اساس تعالیم و آموزه های حضرت عیسی (ع) استوار است، سخنی از مهریه نشده است. مجرد و ازدواج نکردن در نزد مسیحیان به مثابه آرمانی والا به شمار می آید و ازدواج کردن در نزد آنان برای دوری از گناه و حفظ نسل می باشد. در این آیین طلاق وجود ندارد، پس به تبع آن، مهریه نیز وجود ندارد. از این رو در مذهب کاتولیک، مهر را به عنوان یکی از عوارض عقد نکاح به رسمیت نمی شناسند. مذهب پروتستان نیز هر چند اصالتاً برای مهر ارزش و اعتباری قائل نیست اما در صورت توافق زوجین بر پرداخت مبلغی تحت این عنوان مرد را به ادای آن موظف خواهد نمود، در مذهب ارتودکس، طبق یکی از مجموعه های حقوقی، هر چند مهر از ارکان عقد نکاح به شمار نیامده، اما شرط قرار دادن آن امری جایز شمرده شده است. (شرف الدین، ۱۱)

زرتشت

در آیین زرتشت مهریه وجود ندارد. گویا نبود مهریه در این آیین، به خاطر این است که در کتاب های زرتشتیان، هیچ سخنی از مهریه به میان نیامده است. در کتاب گاتها که یکی از کتاب های آسمانی زرتشت است، از ازدواج پروچیستا، جوان ترین دختر زرتشت با جاماسب، نحوه ازدواج خوب و سالم همراه با نیک منشی و مهر و محبت و راستی سخن گفته تا زندگی سرشار از خوشی و خوشبختی شود. همچنین دعوت به پرهیز از دروغ و ریا در پیوند زناشویی شده است و به دختران و پسرانی که می خواهند با هم پیمان زناشویی ببندند، پند و اندرز می دهد. (ر.ک: گاتها، ۱۰۵-۱۰۷) در این کتاب از کلیات ازدواج سخن گفته شده اما از مهریه که نوعی پشتوانه مادی و معنوی زن و گاهاً خانواده زن است و موضوعی مهم به شمار می رود، حرفی زده نشده است که این نشان دهنده آن است که در این آیین مهریه وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد، به طور رسمی در نزد آنان پذیرفته نشده است. در متن آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران درباره مهریه چنین آمده است که در آیین زرتشتی طلاق اختیاری نیست، بنابراین در اجرای مراسم زناشویی، مهریه تعیین و قید نمی شود. (آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران، ماده ۲۱)

با این حال در بعضی سلسله ها و حکومت ها چون عهد ساسانی که پیرو آیین زرتشت بودند و آن را دین رسمی خود انتخاب کرده بودند، چهره هایی از شیربها و مهریه به چشم می خورد؛ اما به طور کلی می توان گفت که در این دین، مهریه پدیده مرسوم نیست و مرد ملزم به مقید کردن آن در عقد نکاح نمی باشد.

امضایی و تأسیسی بودن

یکی از تأسیسات مهم در فقه که بر آن آثار فقهی مترتب می‌شود، تقسیم احکام به امضایی و تأسیسی است. در کتاب‌های فقهی و اصولی، بحث جداگانه و مستقلی تحت عنوان احکام امضایی و تأسیسی وجود ندارد و به‌صورت روشن و منقح به آن پرداخته نشده است؛ چرا که این تقسیم جدیداً در فقه مطرح شده و سابقه طولانی ندارد اما منشأ استنباط احکام شرعی قرار گرفته است.

تأسیسی: واژه تأسیس در لغت به معنای ابتدای هر چیزی، پی افکندن و بنا نهادن است. (ابن‌منظور، ۶/۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۸۲/۲) تأسیسی، اصطلاحی اصولی و فقهی و حقوقی درباره احکام و قوانینی است که برای نخستین بار تشریع و تقنین شده‌اند. در فقه، به احکامی که برای نخستین بار و بدون هیچ سابقه‌ای نزد عرف و عقلا بر پیامبر اکرم وحی شده است، مانند بسیاری از احکام پنج‌گانه تکلیفی، احکام تأسیسی یا احکام «ابتدایی» می‌گویند. (دانشنامه جهان اسلام، ۳۱۵۹/۱)

امضایی: واژه امضا در لغت به معنای تأیید کردن و انجام دادن کاری است. (ابن‌منظور، ۲۸۳/۱۵) احکامی که پیش از تشریع شارع، عرف و عقلا آن را معتبر دانسته یا وضع کرده و بدان عمل نموده‌اند، احکام امضایی گویند؛ یعنی قوانینی که مردم قبل از تقنین به آن عمل می‌کرده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ۳۱۵۹/۱) قائل شدن به اینکه شارع، سیره عقلا را امضا نموده است، ملازم با کنار گذاشتن احکام اسلام نیست، بلکه تمسک به سیره عقلا مقید به این امر است که نهی‌ای از شارع نباشد و اوامر شرعی هم رعایت گردد. (نخعی‌پور، ۱۵۲) البته قسمتی از احکام تأسیسی است و اکثر احکام وضعیه امضایی‌اند و شارع مقدس به‌عنوان خالق العقلاء آن‌ها را امضا کرده است. (موسوی بجنوردی، ۱۶۲/۱) یعنی شارع، حکم عقلا را تنفیذ و تأیید کرده است یا دست‌کم با آن مخالفت نکرده و ردعی از سوی شارع صورت نگرفته است.

در قرآن کریم از مهریه به «صدق» تعبیر شده است. در آیه ۴ سوره نساء آمده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» و مهر زنان را (به‌طور کامل) به‌عنوان یک بدهی (یا هدیه) به آنان بپردازید. در این آیه کلمه «النِّسَاء» مقدم شده و ضمیر «هِنَّ» به کلمه «صَدُقَاتٍ» اضافه شده است. این مطلب بیانگر این است که مهریه، سنت رایج و متداول در میان مردم و در سنن ازدواجشان بوده است. (طباطبائی، ۱۶۹/۴) خداوند در این آیه فرموده است که مهریه زنان را به آنان بدهید؛ پس یعنی مهریه وجود داشته است اما به خود زن تعلق نمی‌گرفته، بلکه پدر و اولیای زن، مالک آن می‌شدند. همچنانکه شأن نزول آیه، مؤید این مطلب است. شأن نزول آیه، خطاب به اولیای زن است؛ زیرا بعضی از مردان، هنگامی که زنی را شوهر می‌دادند، مهریه آن زن را خودشان می‌گرفتند. پس خداوند آنان را از این کار منع کرد. (طوسی، ۱۱۰/۳) همچنین در مبحث قبلی که درباره پیشینه مهریه بود، این چنین بیان شد که مهریه در ماقبل اسلام و از زمان حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (ع) وجود داشته و سابقه تاریخی دارد اما ممکن است که شکل و ماهیت آن با مهریه امروزی که در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، متفاوت باشد؛ چرا که در گذشته و در اکثر موارد، مهریه به پدر زن تعلق می‌گرفت و زن حقی نسبت به آن نداشت یا اینکه پولی نبود، بلکه مرد باید مدت زمانی را برای پدر زن کار می‌کرد و در خدمت او می‌بود. پس با توجه به آیات و روایات و شواهد تاریخی می‌توان استظهار کرد که حکم وجوب مهریه، تأسیسی نیست، بلکه سنت مهریه به زن، یک سنت پذیرفته شده در قبل از اسلام بود که

اسلام، آن را امضا نموده و بسیار بر آن تأکید کرده و بر نظام‌مند شدن و نهادینه شدن آن پای فشرده است. (حلبیان، ۱۴) یعنی مهریه، قبل از ظهور اسلام وجود داشته است و دین مبین اسلام، تنها این سنت پسندیده اجتماعی را تأیید و تنفیذ نمود و برای حفظ حقوق زن کمی آن را اصلاح کرد تا حقوق زن تأمین گردد و اجحافی در حق وی صورت نگیرد. به عبارت دیگر، اسلام برای برابری حقوق زن و مرد و نشان دادن زن به‌عنوان درّی گرانبها، مهریه را به‌عنوان نوعی هدیه و نه بهای او، به خود زن اختصاص داد. امروزه نیز مهریه در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و این سنت مبتنی بر مذهب اسلامی است اما از ارکان عقد نکاح نمی‌باشد و برای آن مبلغ مشخصی تعیین نشده است. گفتنی است که اسلام هیچگاه با مهریه‌های سنگین موافق نیست بلکه به ازدواج آسان با مهریه کم توصیه نموده است.

تطبیق بین مهریه جاهلی و اسلامی

بنا بر مطالب مطروحه بیان نمودیم که مهریه از ابتدای آفرینش بشر تا به امروز در میان برخی آیین‌ها و اقوام گوناگون وجود داشته است. سیر تاریخی مهریه در دوره جاهلیت و دوره ظهور اسلام، نمایانگر این مسئله است که فرهنگ دوره جاهلی از لحاظ عقیدتی، اخلاقی و رفتاری نسبت به مهریه کاملاً متفاوت و متمایز از فرهنگ دوره اسلامی است و به این سنت کهن و اجتماعی نگاهی ناهمگون و مباین دارند. اینک شایسته است که به بررسی مهریه در هر دوره جاهلیت و اسلامی پرداخته شود و نقاط اشتراک و افتراق آنان مشخص گردد.

در فرهنگ جاهلی نسبت به زن نگاهی تحقیرآمیز شده و ارزش‌های انسانی او پایمال شده است. در دوره سیاه جاهلیت، زیاده‌روی و مبالغه در گرفتن مهریه مرسوم بود و به زنان چیزی از مهریه نمی‌دادند. مرد وقتی دخترش را به نکاح کسی در می‌آورد، خودش مهریه او را می‌گرفت؛ به همین دلیل او را «حلوآن» و دخترش را «نافجه» می‌نامیدند. (علی، ۲۰۴/۱۰) و در نبود پدر، برادران دختر، ولایت و قیمومت خواهر خود را به عهده می‌گرفتند و به خواست خودشان، او را به هر کسی که می‌خواستند، شوهر می‌دادند و مالک مهریه او می‌شدند یا اینکه داماد باید مدتی در نزد پدر و اولیای زن کار می‌کرد تا بتواند با آن دختر ازدواج نماید. در آن زمان نکاح شغار مرسوم بود. نکاح شغار، نکاحی بود که در آن مرد، دختر یا خواهرش را به ازدواج مرد دیگری در می‌آورد به شرطی که آن مرد نیز، دختر یا خواهرش را به ازدواج او در آورد. در این نکاح مهریه وجود ندارد و بضع هر یک از آنان، مهر دیگری می‌باشد. (همان، ۲۰۹) همچنین وقتی که مردی می‌خواست از زنش طلاق بگیرد یا تجدید فراش کند، با شکنجه دادن و بهتان به او، زنش را مجبور می‌کرد که از مهریه خود بگذرد یا اگر مهریه را گرفته، آن را به شوهرش بازگرداند. به‌طور کلی می‌توان گفت که زن هیچ حقی نسبت به مهریه‌اش نداشت؛ حتی زمانی که شوهرش می‌میرد، مانند ثروت به فرزندان و برادران شوهرش به ارث می‌رسید. به این ترتیب، فرزندان و برادران شوهرش بر او ولایت داشتند و در صورت ازدواج زن با کسی دیگر، مهر او را خودشان می‌گرفتند و یا در صورت ازدواج با او، هیچ مهری به او نمی‌دادند و زن در شرایط بسیار اسفناکی به‌سر می‌برد.

با طلوع خورشید اسلام، مسائل و قوانینی که موجب بی‌ارزشی و تباهی زنان و حقوق آن‌ها شده بود، تغییر کرد و قوانین جدید و بهتری خصوصاً در زمینه مهریه وضع شد که سبب بهبودی حقوق زن گردید. قرآن کریم سنت‌ها و باورهای غلطی را که

درباره مهریه در نزد عرب جاهلی مرسوم بود، منسوخ نمود و مهر بطلان بر تمامی آن‌ها زد. اسلام به مسئله مهریه که به زن اختصاص دارد، بسیار تأکید کرده و آن را موضوعی مهم می‌داند؛ به طوری که در آیات و روایات به آن اشاره کرده و وجود آن را در ازدواج ضروری می‌داند. قرآن کریم تعدادی از آیات را به مهریه اختصاص داده و مرد را موظف کرده است که آن را به عنوان هدیه‌ای، از سر شوق به همسرش بپردازد. در احادیث متعددی نیز از مهریه سخن گفته شده است. چنانکه رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا لَمْ يَخْلُقْ فِيهَا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً فَلَمَّا أَنْ أَهْبَطَ آدَمَ وَحَوَّاءَ أَنْزَلَ مَعَهُمَا ذَهَبًا ... وَجَعَلَ ذَلِكَ صَدَاقَ آدَمَ لِحَوَّاءَ، فَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَزَوَّجَ إِلَّا بِصَدَاقٍ» (مجلسی، ۳۵۴/۱۰۳، باب ۱۷، ح ۳۵) بر طبق آیه ۱۹ سوره نساء که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَّذِبْنَ مِمَّا آتَيْنَهُنَّ»^۴ رسم ارث زوجیت منسوخ شد. همچنین بنا بر آیه ۲۰ سوره نساء که می‌فرماید: «وَأِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا»^۵ مرد حق ندارد که برای پس گرفتن مهریه زنش، او را شکنجه دهد و یا به او بهتان فحاشی زند. مهریه آنچنان در اسلام مهم است که در بعضی موارد، مهریه زن را بر طلب طلبکار برتری و ارجح داده است. در واقع مهریه به منظور ایجاد عشق و علاقه میان زوجین ایجاد شده و نشانه حیا و عفت زن است. وجود آن کانون خانواده را گرم می‌کند و سبب استحکام خانواده می‌شود؛ زیرا که مهر نوعی حفاظت و ضمانت زن در برابر هرزگی‌های بعضی مردان است. در اسلام از نکاح شغار نهی شده است. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «لَا شِغَارَ فِي الْإِسْلَامِ». (نوری، بی‌تا، ج ۱۴: ۳۲۳) این حدیث نبوی در کتاب‌های فقهی و حدیثی شیعه و سنی به صراحت آمده است. (حرعاملی، ۳۰۴/۲۰؛ بخاری، صحیح البخاری، ۱۲/۱۷، ح ۵۱۱۲؛ شهیداول، ۱۸۱) در اسلام، مرد مهریه را به همسرش می‌دهد و اولیای زن، هیچ حقی نسبت به آن ندارند. چنانکه در جاهلیت، عکس این قضیه صادق بود. در جاهلیت، مبالغه در گرفتن مهریه مرسوم بود، پس با ظهور اسلام، حدیثی وارد شد و از این مبالغه نهی کرد. (علی، ۲۰۴/۱۰) اسلام، همچنین آئین کار کردن داماد برای پدر زن را که طبق گفته جامعه-شناسان در دوره‌هایی وجود داشته، منسوخ کرد. (مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، ۲۰۵۳۳)

به‌طور کلی می‌توان گفت که، سنت‌های غلط جاهلی که نشأت گرفته از افکار پوچ و بی‌اساس بود، با ظهور اسلام از میان رفتند و سنت‌های جدیدی درباره مهریه ایجاد شد که عقل نیز مؤید آن‌ها است.

۲. «خداوند وقتی که دنیا را آفرید، در آن طلا و نقره را نیافریده بود. پس وقتی که آدم و حوا را به زمین راند، همراه آنان طلا و نقره را هم نازل کرد... و آن چشمه‌های طلا و نقره را مهریه آدم برای حوا قرار داد و شایسته نیست که کسی بدون مهریه ازدواج نماید.»
۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها) ارث ببرید و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را (به‌عنوان مهر) به آن‌ها داده‌اید، تملک کنید.»
۴. «اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به‌جای همسر خود انتخاب کنید و مال فروانی (به‌عنوان مهر) به یکی از آن‌ها پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای باز پس گرفتن آن، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟!»

نتیجه گیری

ازدواج یکی از بنیان‌های مهم و اساسی در هر جامعه به‌شمار می‌رود که وجود آن لازمه بقای زندگی می‌باشد. در این میان، مهریه از نقش ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ چرا که جنبه مالی دارد و پشتوانه قوی‌ای برای زن به‌شمار می‌رود. مهریه هدیه واجب است که از سوی مرد به زن داده می‌شود و نشانه عشق و علاقه و احترامی است که مرد نسبت به همسرش دارد. منابع حدیثی و روایی حاکی از آن است که مهریه از زمان هبوط حضرت آدم(ع) و حضرت حوا(ع) به زمین وجود داشته است. مهریه، سنتی اجتماعی و دیرینه است که در میان اقوام و ملل گوناگون به شکلی متفاوت از مهریه امروزی وجود داشته است. سیر وجود مهریه را می‌توان در میان ادیان ابراهیمی، یهود و برخی اقوام جهان مشاهده نمود. مسئله مهریه، پدیده تازه و جدیدی نیست که با ظهور اسلام ایجاد و ابداع شده باشد، بلکه سبقه تاریخی دارد. پس نتیجه می‌گیریم که مهریه، حکم امضایی است؛ حکمی که دین اسلام، آن را تنفیذ و اصلاح نمود و سنت‌های غلط آن را منسوخ کرد و شکل تازه‌ای به آن بخشید تا در پی آن، حقوق و ارزش زن به‌عنوان انسان که اشرف مخلوقات است، حفظ گردد. همچنین مهریه‌ای که در دوره جاهلیت وجود داشت از نظر شکلی و ماهوی کاملاً متفاوت از مهریه دوره اسلامی است. در دوره جاهلیت، زن نامبارک و شوم بود و همچون وسیله و ابزاری برای افزایش ثروت بود. در آن زمان، باورهای اشتباهی درباره مهریه در میان مردم مرسوم بود و به زن چیزی از مهریه تعلق نمی‌گرفت اما با طلوع خورشید تابناک اسلام، سنت‌ها و باورهای غلط از میان رفت و مهریه رنگ و بوی اسلامی به‌خود گرفت و در پی آن حقوق زن حفظ شد. در حال حاضر به‌خاطر پیشرفت و تحولات علمی در تمام سطوح زندگی بشری، به زن و مرد به‌عنوان دو انسانی که دارای حقوق برابر هستند، نگرسته می‌شود و دیگر تبعیض‌های جنسی در کار نیست، بلکه نگرش‌ها به زن و مرد، عادلانه است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، عابدزاده، تهران، ۱۳۹۲.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی جا، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه معرفه الاثمه، شریف الرضی، قم، ۱۳۷۹.
۶. امامی، حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۴۰.
۷. انجمن زرتشتیان تهران، آیین نامه ی احوال شخصیه زرتشتیان ایران، انتشارات فروهر، تهران، ۱۳۸۶.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، دائرة المعارف العثمانیه، بی جا.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، چاپ اول، دار طوق النجاة، دمشق، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. جزایری، نعمت الله بن عبد الله، الأنوار النعمانیة فی بیان معرفه النشأة الانسانیة، چاپ اول، مؤسسه الأعلى للمطبوعات، بیروت.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حلبیان، حسن، احکام مهریه در فقه شیعه، چاپ اول، انتشارات تهران، تهران، ۱۳۹۰.
۱۳. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۴. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۷.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، ۱۳۴۱.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، سید المرسلین (تعریب)، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۳۷۰.
۱۷. شرف الدین، سید حسین، تبیین جامعه شناختی مهریه در نظام حقوقی خانواده در اسلام، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، بی جا، ۱۳۸۰.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، دارالکتاب اللبنانی، بی جا.
۱۹. شفق، غلامرضا، مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، دفتر عقل، قم، ۱۳۸۸.
۲۰. شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة، چاپ اول، دار التراث، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسماعیلیان، بی جا.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بالاعلام الهدی، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۵.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بی نا، بی جا.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، چاپ دوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۲۵. العصامی، عبد الملک بن الحسین، سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی، کتابخانه بریتانیا، لندن، ۱۳۸۰.
۲۶. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، دار العلم للملایین، بیروت.
۲۷. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، بی نا، بی جا.
۲۸. فیروز آذرگشسب، موبد، گاتها، مترجم شیوا مقالو، چاپ دوم، انتشارات فروهر، تهران، ۱۳۷۹.
۲۹. قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۶.
۳۰. کتاب مقدس (گروسی) پیدایش، ترجمه فاضل خان گروسی، بی نا، بی جا.

۳۱. کریستن سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۸.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بی جا، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. محمود عبدالرحمن، عبدالمنعم، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية*، دارالفضيلة، قاهره.
۳۴. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس فی شرح جواهر القاموس*، چاپ اول، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، صدرا، تهران.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، چاپ اول، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله علیه، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. موسوی بجنوردی، محمد، *قواعد فقهیه*، چاپ سوم، مؤسسه عروج، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، *دائرة المعارف طهور*، مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، اصفهان، ۱۳۹۵.
۳۹. نخعی پور، قاسم؛ سعیدی، محمدعلی (۱۳۹۶)، "تبیین حکم امضایی و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی"، *فصلنامه آموزه های فقه مدنی*، شماره ۱۶، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱-۱۵۶.
۴۰. نرم/فزار کتاب مقدس.
۴۱. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم.
۴۲. یوسفی غروی، محمد هادی، *موسوعة التاريخ الاسلامی*، مجمع الفكر الإسلامی، قم.